

وصف آن رشک‌ملک

علی اکبر قاسمی گل افشانی

دانشجوی دکتری زبان و ادب فارسی
و دبیر و سرگروه زبان و ادبیات فارسی
سوادکوه

به روان پاک فرزندگان عرصه فرهنگ‌نگاری؛
استاد علی اکبر دهخدا، دکتر محمد معین،
دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر سیدجعفر
شهیدی، دکتر حسن احمدی گیوی

چکیده

لطف خداوند با بروجرد یار بوده است که
دو تن از دانش‌مردان بزرگ و مشعل‌داران
تاریخ و فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی از
آن دیار برخاسته‌اند: یکی استاد والامقام
روان شاد دکتر سیدجعفر شهیدی
(۱۲۸۶-۱۲۹۷ شمسی) است و دیگری
دانشمند خستگی‌ناپذیر، روان‌شاد دکتر
عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۷۸-۱۳۰۱
شمسی)، هدف این مقاله بررسی شخصیت
علمی استاد سیدجعفر شهیدی - استاد
فقیه دانشگاه تهران، چهره ماندگار، رئیس
موسسه لغت‌نامه دهخدا و صاحب چندین
عنوان کتاب تألیف و تصحیح و ترجمه -
است. با جست‌وجو در زوایای مختلف زندگی
استاد شهیدی می‌توان دریافت که او الگوی
بسیار مناسبی برای معلمان و استادان است.
با امید به اینکه زبان و فرهنگ و ادبیات
ایران زمین در آینده، شهیدی‌های دیگری
را از میان دانش‌آموزان و دانشجویان امروز
به خود ببیند.

کلیدواژه‌ها: استاد شهیدی، دانشگاه
تهران، سازمان لغت‌نامه، شخصیت علمی -
اخلاقی، آثار.

حکایت بروجرد همان سخن سعدی است
در باب اول گلستان که:
أَقْلَ جِبَالِ الْأَرْضِ طَوْرًا وَ إِنَّهُ
لَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا وَ مَنَزَلًا
(سعدی، ۱۳۷۶: ۲۶)

ما در این مقاله سعی داریم به شخصیت
علمی استاد سیدجعفر شهیدی بپردازیم؛
باشد که قبول افتد. اگر بنا به فرموده
حضرت پیامبر(ص)، علم و دانش را میراث
انبیاء بدانیم و عالمان را وارثان آن‌ها، العلماء
و رثة الانبیاء، استاد شهیدی بدون تردید
یکی از گران‌قدرترین وارثان انبیای الهی
است که جامعه ایران و دنیای اسلام در
دوران معاصر به خود دیده است؛ گویی
سعدی نزدیک به هشتصد سال پیش این
بیت را برای ایشان سروده است:
صبر بسیار نباید پدر پیر فلک را
تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید
(همان: ۶۰۱)

و سنایی نیز:
سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع
عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین‌سخن
(سنایی، ۱۳۸۵: ۴۸۶-۴۸۵)
هیچ یادم نرود شبی که دوستی پیام کوتاه
تلخی فرستاد که «شهیدی هم رفت». به
کوتاهی پیام نگاه نکنید؛ جهان جهان ماتم
و اندوه را به همراه داشت. بغض گلویم را
می‌فشرد و آرام و قرار نداشتم؛ تسکین درد

را پناه به دیوان آسمانی خواجه شیراز بردم.
دیوان را گشودم؛ این غزل آمد:
شب وصل است و طی شد نامه هجر
سلامّ فیهِ حَتّی مَطَّلِعِ الْفَجْرِ
(حافظ، ۱۳۸۱: ۳۳۹)

آری به راستی آن شب، شب قدر شهیدی
بود:
آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب
است
یارب این تأثیر دولت در کدامین کوب
است
تا به گیسوی تو دست ناسزایان کم رسد
هر دلی از حلقه‌ای در ذکر یارب یارب
است...
شهبسوار من که مه آینه‌دار روی اوست
تاج خورشید بلندش، خاک نعل مرکب
است

(همان: ۴۵)
آن شب، فرشتگان برای استقبال از شهیدی
فرود آمده بودند و در کوچه پس‌کوچه‌های
باغ ملکوت غلغله‌ای بود:

آب زنید راه را همین که نگار می‌رسد
مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد
راه دهید یار را آن مه ده چهار را
کز رخ نوریخش او نور نثار می‌رسد
چاک شده‌ست آسمان، غلغله‌ای است در
جهان
عنبر و مشک می‌دمد، سنجق یار می‌رسد
رونق باغ می‌رسد، چشم و چراغ می‌رسد
غم به کنار می‌رود، مه به کنار می‌رسد

(مولوی، ۱۳۸۱: ۳۱۲)

آری آن شب، فرشتگان به استقبال شهیدی آمده بودند؛ زیرا شهیدی عارفی بود که به مرحله فنا رسیده بود. از حجاب تعلقات و زخارف دنیوی گذشته، از خانه‌اش (ایشان منزل مسکونی‌اش را در نارمک به شهرداری بخشید و از آن کتابخانه ساختند) و از فرزندش (یک فرزند ایشان هم به مقام شهادت رسید و همچنان بی آرامگاه مشخصی

است) چشم‌پوشی کرده و از آزمایشی که خداوند در آیه پانزدهم سوره تغابن از آن سخن به میان آورده است، سربلند بیرون آمده بود: *إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ*؛ به درستی که اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش شما هستند (اگر از این آزمایش سربلند بیرون آید) اجر و پاداش عظیمی نزد خدا (برای شما) می‌باشد همت بلند او تعلقات را بر نمی‌تابید و ز هر چه رنگ تعلق پذیرد، آزاد بود پس به دیدار معشوق می‌شتافت. از زبان حافظ شیرین‌سخن می‌خوانیم که

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست
تو خود حجاب خودی، حافظ، از میان
برخیز

(حافظ، ۱۳۸۱: ۳۶۰)

شهیدی عمری را در اقیانوس بی‌کران نهج‌البلاغه غوطه‌ور بود؛ جمله جمله این کتاب مقدس بر روح و جانش تأثیر نهاده بود و حکمت گم‌شده‌اش بود (الحکمة ضالة المومن):

هر که چیزی نفیس گم شودش
بسته دارد به جستش همت
جان آن کس که مؤمن پاک است
هم بر آن سان طلب کند حکمت

(میرزا محمد، ۱۳۸۰: ۷۱)

لذا ایشان همه‌جا به دنبال گم‌شده‌اش بود. در حوزه به درجه اجتهاد رسید؛ به دانشگاه تهران آمد و به درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی نائل آمد، در دبیرستان و در دانشگاه تدریس کرد و ...

علم و دانش برای شهیدی میراث گران‌بهایی بود (العِلْمُ وَرِاثَةٌ كَرِيمَةٌ؛ حکمت پنجم نهج‌البلاغه). از خانواده علم و ادب بود. پدرش، سیدمحمد سجادی، از مفاخر ادبی معاصر به حساب می‌آید (بعدها نام خانوادگی خود را از سجادی به شهیدی تغییر داد). به قول سعدی:

میراث پدر خواهی علم پدر آموز
کاین مال پدر خرج توان کرد به یک روز
برای او شرافتی والاتر و بالاتر از علم نبود
(لا شَرَفَ كَالْعِلْمِ؛ حکمت صد و سیزدهم
نهج‌البلاغه).

ایشان استاد ممتاز زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران بود؛ چهره‌ای ماندگار بر



صفحة روزگار

کی شود عزّ و شرف بر سر تو افسر و تاج
تا تو مر علم و خرد را نکنی زین و رکیب؟
(ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۵۲۱)

سازمان لغت‌نامه نیز تماشگاه رازی برای
شهیدی بود. ایشان و روان‌شاد استاد معین
و دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی از دستیاران
علی‌اکبر دهخدا در تدوین لغت‌نامه بودند.
در صدای ماندگاری که از مرحوم دهخدا
در باره لغت‌نامه بر جای مانده، نام و یاد او از
استاد شهیدی نیز دیده می‌شود:

از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
(حافظ، ۱۳۸۱: ۲۴۰)

درنامه‌ای که دهخدا برای دعوت شهیدی
به لغت‌نامه به وزیر فرهنگ وقت نوشته،
از ایشان با عنوان «در نوع خود کم‌نظیر»
یاد کرده است. استاد شهیدی در سازمان
لغت‌نامه، نقش برجسته و چشمگیری
داشت و بیش از نیم‌قرن در آنجا خدمت
کرد. مدتی معاونت سازمان لغت‌نامه و در
ادامه راه، هدایت سازمان را بر عهده داشت
و نامش در کارنامه فرهنگ‌نگاری در کنار
بزرگانی چون حکیم ابوحفص سعیدی،
اسدی طوسی، علی‌اکبر دهخدا، دکتر
محمد معین و دکتر پرویز نائل خانلری به
چشم می‌خورد.

حاصل پنجاه و اندی سال را
کرد یکجا بر لغت‌نامه عطا

(کی‌منش، ۱۳۸۹: ۶۱)

نام استاد شهیدی مرزهای ایران را درنوردید
و در بسیاری از مجامع علمی سایه‌گستر
شد. استاد در طول حیات علمی خود در
کنفرانس‌های بین‌المللی فراوانی در کشورهای
اردن، مصر، عراق، الجزایر، آمریکا و... شرکت
داشت. در کشور چین و در شهر نقش‌آفرینان
پکن (تعبیر از خود استاد است که بر عنوان
گزارش سفر به چین او نقش بسته است) هم
حضور یافت. گویی استاد در این سفر به این
حدیث شریف نظر داشته‌اند: اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ
بِالصَّيْنِ؛ یعنی دانش را بجویید حتی اگر در
چین باشد. البته استاد نه برای علم‌اندوزی
بلکه برای ترویج زبان و فرهنگ و ادبیات
فارسی رهسپار چین شده بود.
علم را فرمودمان جستن رسول

جست بایدت از نباشد جز به چین

(ناصرخسرو، ۱۳۸۸: ۱۱۹)
از افتخارات بخش زبان فارسی دانشگاه
پکن این بوده که به استاد شهیدی درجه
استادی افتخاری دانشگاه پکن را داده است.
یکی از باقیات صالحات استاد شهیدی،
تربیت معلمان و استادانی است که در
سراسر این سرزمین و حتی در فراسوی
مرزها در کشورهایمانند هند، ترکیه، لبنان
و چین مشعل‌داران ترویج زبان و ادبیات و
فرهنگ فارسی هستند. شاگردی کردن
در مکتب استاد شهیدی سند پرافتخاری
است برای معلمان و استادان و حلقه ارادت
و دوستداری استاد در گوششان؛ چرا که

شهیدی عمری را
در اقیانوس بی‌کران
نهج‌البلاغه غوطه‌ور
بود؛ جمله جمله
این کتاب مقدسی بر
روح و جانش تأثیر
نهاده بود و حکمت
گم‌شده‌اش بود

استاد، استادی کم‌نظیر بود و ادب درس و
ادب نفس را توأمان داشت:

چل سال پیش رفت که من لاف می‌زنم
کز چاکران پیرمغان کمترین منم
(حافظ، ۱۳۸۱: ۴۶۵)

و:
حلقه پیر مغان از ازلم در گوش است
برهمانیم که بودیم و همان خواهد بود
(همان: ۲۷۸)

بودند دانشجویانی که سال‌ها از تحصیل
آن‌ها در دروه دکتري هم سپری شده بود و
در دانشگاه استاد بودند اما پروانه‌وار بر گرد
شمع وجود استاد شهیدی طواف می‌کردند.
از آن خیل مشتاقان می‌توان از دکتر سید
علی‌محمد سجادی، دکتر عباس کی‌منش
و دکتر سعید واعظ نام برد که حدود بیست
سال در گرما و سرما، جمع‌ها به حضور

استاد می‌رسیدند. درگاه استاد، دولت‌جایی
برای آنان بود. در مجلدات شرح مثنوی
استاد، نام این بزرگواران به چشم می‌خورد:
حافظ جناب پیر مغان جای دولت است
من ترک خاک بوسی این در نمی‌کنم
(حافظ، ۱۳۸۱: ۴۷۹)

استاد شهیدی برای شاگردانش همانند پیر
و مراد بود و آن‌ها را راهبری می‌کرد:
بنده پیر مغانم که ز جهلم برهاند
پیر ما هرچه کند عین عنایت باشد
(همان: ۲۱۴)

استاد شهیدی در کنار تربیت شاگردان،
چندین عنوان کتاب تألیف، ترجمه و
تصحیح کرد که چند عنوان آن‌ها به
دریافت جایزه کتاب سال و جایزه‌های
دیگر نائل آمدند. استاد در این کتاب‌ها به
چندین حوزه وارد شد و در آن‌ها غور کرد:
حوزه‌های ادبیات و تاریخ و دین و مذهب
و... همه تألیفات، ترجمه‌ها و تصحیحات
ایشان ارزشمند و ستودنی است:

حضرت دکتر شهیدی، مرد علم
صاحب اندیشه و دریای حلم
آنکه در علم سخن استاد بود
بر گلستان ادب رونق فزود
آنکه تألیفات ارزشمند داشت
بذر معنی در زمین فضل کاشت
بر شمارم شمه‌ای ز آثار او
گرچه باشد بیش از این‌ها کار او

(کی‌منش، ۱۳۸۹: ۶۱)

تعدادی از آثار ارزشمند استاد

۱. ترجمه نهج‌البلاغه (چاپ اول،
۱۳۶۸): این اثر استاد در سال ۱۳۶۹ به
دریافت جایزه کتاب سال نائل آمد. استاد در
این اثر کوشیده است زیباترین لباس الفاظ
دری را بر قامت معانی بلند حضرت امیر
بپوشاند. بی‌تردید ترجمه استاد، فصیح‌ترین
و شیواترین ترجمه نهج‌البلاغه است.
ترجمه نهج‌البلاغه آن ادیب
هست در دور زمانه کم‌رقیب
(همان: ۶)

۲. شرح لغات و مشکلات دیوان انوری
(چاپ اول، ۱۳۵۸): این اثر رساله دکتري
استاد است، در گروه زبان و ادبیات فارسی

تحلیلی اسلام، عرشیان، علی از زبان علی، زندگانی حضرت فاطمه(س)، پس از پنجاه سال (قیام امام حسین(ع))، چراغ روشن در دنیای تاریک (زندگانی امام سجاد(ع))، آشنایی با زندگی امام صادق(ع)، ستایش و سوگ امام هشتم در شعر فارسی، ترجمه کتاب ابوذر غفاری، ترجمه کتاب شیرزن کربلا و...

وان چراغ روشن دنیای ما
وان به راه خانه پاک خدا
در دیار آشنایان زد قلم
از پس پنجاه سال پر الم
عرشیان را با همه کربوبیان
در قلم آورد با شرح بیان
زنده شد تاریخ تحلیلی از او
که از آن افزود خود را آبرو
شرح حال فاطمه بنت رسول
چون رقم زد، اهل دل را شد قبول

زندگانی علی بن حسین
باز گفت آن دوستان را نور عین
تا ز وصف جعفر صادق نوشت
مرحباگویان شدند اهل بهشت
چون که نور هشتمین را زد رقم
شد به رویش باز درهای کرم
شد چو ارزنده کتب را ترجمان
وصف بوذر گشت او را حرز جان
تا که زینب را به نام شیرزن
خواند او، اعجاز شد او را سخن

(همان: ۶)

آثار استاد به این موارد محدود نمی‌شود. آثار دیگری نیز در کارنامه علمی و پژوهشی ایشان به چشم می‌خورد که در اینجا برای رعایت اختصار از ذکر آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنیم.

سخن آخر

امیدوارم که معلمان و استادان ما شیوه علمی و عملی و اخلاقی استاد شهیدی را به کار ببندند. اگر نیک بنگریم، استاد شهیدی الگوی بسیار مناسبی است. امیدواریم که زبان و فرهنگ و ادبیات ایران زمین در آینده، شهیدی‌های دیگری را از میان دانش‌آموزان و دانشجویان امروز به خود ببیند. ما در این صفحات محدود و مختصر، موفق نشدیم مطالبی درخور استاد شهیدی بنویسیم، که عنقا را بلند است آشیانه؛ استاد شهیدی در یاست و در ظرفی نمی‌گنجد:

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای

چند گنجد؟ قسمت یک روزه‌ای

(مولوی، ۱۳۷۵: ۲۷)

دانشگاه تهران به راهنمایی روان‌شاد استاد معین در سال ۱۳۴۰ به انجام رسیده است. همت استاد در حل دشواری‌های دیوان انوری ستودنی است.

شرح مبسوط لغات انوری
کرد استخراج با لفظ دری

(همان: ۶)

۳. شرح مثنوی: استاد در این اثر شرح مثنوی شریف استاد بدیع‌الزمان فروزانفر را ادامه داده است. شرح دفتر اول مثنوی به پایان نرسیده بود که شمع پرفروغ زندگی استاد فروزانفر به خاموشی گرایید و استاد شهیدی، به ادامه کار استاد (تا پایان دفتر ششم) همت گماشت:

اهل دل را پایگاهی تازه داد
تا که شرح مثنوی را کرد یاد

(همان: ۶)

۴. از دیروز تا امروز (مجموعه مقالات استاد): این کتاب در سال ۱۳۷۳ به اهتمام هرمز ریاحی و شکوفه شهیدی (دختر استاد) به چاپ رسیده است. گزارش سفرهای استاد به کشورهای دیگر برای شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی بخشی از این کتاب است.

دفتر دیروز تا امروز را
کرد انشا با عنایات خدا

(همان: ۶)

۵. تصحیح و توضیح درّه نادره (چاپ اول، ۱۳۴۱): درّه نادره اثر میرزا مهدی‌خان استرآبادی نثری متنوع و متکلف دارد. استاد با دانش وسیع خود این اثر را تصحیح و شرح کرد؛ آن را از پرده حمول و گمنامی بیرون آورد و گنجی را به گنجینه سخن فارسی افزود. این اثر نیز به دریافت جایزه کتاب سال نائل آمد.

۶. تصحیح و شرح کتاب براهین العجم (چاپ اول، ۱۳۵۱): براهین العجم اثر محمدتقی سپهر است. درّه نادر، براهین العجم یافت رونق زان ادیب محترم

(همان: ۶)

استاد شهیدی در حوزه‌های دینی و مذهبی و تاریخ اسلام هم قلم زده و با انتشار مجموعه‌هایی گران‌سنگ، گام‌های ارزشمندی در جهت شناساندن شخصیت‌های مذهبی به مخاطبان برداشته است. این آثار ارزشمند عبارت‌اند از: در راه خانه خدا، تاریخ

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. حافظ، شمس‌الدین محمد.
۴. سعدی، مصلح‌الدین.
۵. سنایی، ابوالمجد.
۶. دیوان، تصحیح مدرس رضوی.
۷. فروزانفر، بدیع‌الزمان.
۸. شریف، شریف.
۹. کی‌منش، عباس.
۱۰. استاد عشق، روزنامه اطلاعات (تاریخ ۲۳ دی‌ماه).
۱۱. خلود انسی، روزنامه اطلاعات (تاریخ ۲۳ دی‌ماه).
۱۲. مولوی، جلال‌الدین.
۱۳. کلیات شمس تبریزی، به کوشش توفیق سبحانی، تهران: نشر قطره.
۱۴. میرزا محمد، میرزاعلی.
۱۵. ناصرخسرو، حکیم ابومعین.
۱۶. تصحیح محقق و مینوسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.